

زن در رسانه



سلبریتی ها

صبح یکی از روزهای دم کرده تابستان است. تبلت و دفترچه یادداشت را داخل کیف جا می‌دهم؛ چادر را به سر انداخته و از خانه بیرون می‌زنم. پس از پشت سر گذاشتن ترافیک صبحگاهی، خود را به واگن انتهای قطار مترو رسانده و گوشه‌ای می‌ایستم. نفسم که در خنکای واگن بانوان جا می‌آید نگاهی به دور و برم می‌اندازم. دختر نوجوان سمت راستی با چند لایه لباس کوتاه و بلند الوان به تن، شالی با طرح قبایل بومی آفریقایی روی سر، با چشمانی بسته در



موسیقی‌ای که از هدفون زردرنگش پخش می‌شود غرق شده است. زن جوان دیگری در سمت راستم لباس فرم اداری به تن دارد و دسته موهای بلندش از زیر مقنعه مهمانداری‌اش پیداست. نشان تجاری دفتر فروش بلیط هواپیما نیز بر روی یقه‌اش خودنمایی می‌کند. تمرین شخصیت‌پردازی کلاس فیلمنامه نویسی ذهن خیال پردازم را قلقلک می‌دهد اما سوالی که ذهنم را به دنبال خود می‌برد فراتر از خیال پردازی‌های کلاس فیلمنامه است. در این سال‌های اخیر چه بر سر



جامعه‌مان آمد که چنین شکاف‌های عمیقی بین تفکرات و سبک زندگی مردم ایجاد شد. اولین چیزی که در پاسخ به سوال در ذهنم روشن می‌شود، واژه آشنای تهاجم فرهنگی است. کار دشمن، دشمنی کردن است. از مقاومت و حمله ما چه خبر؟! صحنه تتاتر، پرده نقره‌ای سینما، لابه‌لای صفحات رمان‌های داخلی تا چه اندازه توانسته‌اند عطش فرهنگی زن ایرانی را سیراب کنند؟ چند رمان جذاب و ارزشمند برای معرفی به دختر نوجوان‌مان داریم تا الگوی روزهای پیش روی خود را در میان آن پیدا کند. گوشی تلفن همراهم را از کیف بیرون می‌آورم. کانال اطلاع‌رسانی فیلم‌های روی پرده را باز می‌کنم. نمایش هشت فیلم طنز، به صورت همزمان. تیزرهایشان را تماشا می‌کنم. از رکاکت کلام و انجام بعضی حرکات از خودم شرم می‌کنم. به سراغ فیلم‌های اجتماعی می‌روم. یکی از آنها با کارگردانی خوش سابقه، همه امیدم را برای پیدا کردن یک الگو قابل قبول به باد می‌دهد. ملودرام اجتماعی دیگری که در حال اکران است به صورت اختصاصی به موضوع دختران جامانده از ازدواج می‌پردازد اما با نگاهی توهین آمیز و نهایتاً

ارائه راهکاری خارج از شرع و عرف. حتی گروه هنر و تجربه نیز حرفی برای گفتن ندارد. ناامیدانه وارد کانال فروش بلیط نمایش‌های در حال اجرا می‌شوم. زنان کارتن‌خواب، زنان معتاد، زنان خودفروش. زنان موفق جامعه ما کجای رسانه نشسته‌اند؟ خودم را جای دختر نوجوان واگن مترو می‌گذارم. الگوی خود را از کجا پیدا کنم؟ کتابفروشی؟ سالن سینما؟ تماشاخانه‌های تتاتر؟ کدام یک از این تولیدات فرهنگی در یک نقطه با اعتقادات و فرهنگ ملی و مذهبی من همسوهستند؟



ای کاش روزگاری برسد که مساله زنان خارج از شعار و اقدامات نمادین و کم عمق، به صورت جدی و عملی مورد اقدام قرار گیرد. تلفن همراهم را داخل کیف می‌گذارم، دفترچه یادداشت روزانه‌ام را در می‌آورم و از خود می‌پرسم جامعه‌ای که الگوی برای دختران جوان و نوجوانش ترسیم نمی‌کند، چگونه می‌خواهد آنها را برای رسیدن به اهداف خرد و کلانش با خود همسو کند؟

■ زهره حسینی



منتظر نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم

صاحب امتیاز: کارگروه مطالعات زنان قراگاه شهید وزوایی
مدیر مسئول و سردبیر: اسراء داوودی
هیئت تحریریه: زهره حسینی، زهرا فتحي، اسراء داوودی
ویراستار: فاطمه اسدی
گرافیک: مهدی شاهرودی





ماهنامه قراگاه محتوایی شهید وزوایی | سال دوم | شماره ۱۹ | شهریور ۹۷

۰۹۱۰۲۱۵۰۳۶۳ | a.mohtasham123@gmail.com

■ سلب‌ریتی‌ها



زن در رسانه

■ زیرچادر
دانشگاه



یادداشت روز

■ سیر تطوری
معاونت امور زنان
و خانواده ریاست
جمهوری



سخن سردبیر

سخن سردبیر



سیر تطوری معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

در سال ۱۳۷۰ به پیشنهاد رئیس جمهور وقت مرحوم هاشمی رفسنجانی، دفتر امور زنان زیر نظر ایشان و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس و تصویب می‌شود تا پروسه حضور زنان در بدنه دولت کلید بخورد. اما در این میان او که مسئول صندلی داغ امور زنان ریاست جمهوری می‌شود و حکم مشاور را دریافت می‌کند مرحوم شهلا حبیبی است. می‌گویند این دفتر فعالیت خود را با هدف ارتقاء و بهبود وضعیت زنان و ارتقای توانمندی‌های آنان در جهت مثلاً رشد، توسعه و تعالی اسلامی آغاز کرد. ایجاد سازوکارهای جدید و بسط و گسترش آن در ساختار تازه تاسیس شده و نیز پیشنهاد الحاق ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و تبعاتی که در دوره اول بررسی آن با خود به همراه آورد در زمره مباحث پرننگی بود که در زمان ریاست مرحوم حبیبی به چشم می‌خورد. در این دوره سند پکن برگرفته از چهارمین کنفرانس بین المللی موسوم به کنفرانس پکن از سوی ایران بصورت مشروط امضاء می‌شود، در واقع این سند التزام به سندی است که شرح و تفسیری است بر کنوانسیون. مرحوم حبیبی در همان مقطع بیان می‌کند: "اگرچه سند پکن بی نقص نیست منتی



است در حوزه زنان. در دولت موسوم به اصلاحات این زهرا شجاعی است که زمام امور زنان را در سمت مشاور در دست می‌گیرد. ساختار دفتر امور زنان به مرکز مشارکت امور زنان تغییر می‌کند. نام زهرا شجاعی تداعی کننده تنش‌ها و تشنجات دوره دوم جریان پیوستن ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است. او که امروز می‌گویند مغز متفکر مجمع زنان اصلاحات است اگرچه عهده دار ریاست آن نیز هست. در این برهه با دایه‌داری مرکز امور مشارکت زنان، تلاشی مجدانه‌تر در خصوص تجدیدنظر در موضع مخالفت مطلق ایران در الحاق به آن شکل می‌گیرد. آنچه که بر آن تاکید داشتند با نگاه خوش بینانه حق تحفظ بود غافل از آن که سیدا به عنوان مکانیسم اجرایی کنوانسیون پس از پیوستن مشروط کشورها به کنوانسیون، با اجبار کشورها به لغو تحفظات اقدام می‌کند.

"اندیشه برای نظام جمهوری اسلامی ایران دارای ارزش والایی است. شیرین

حسن قضیه به این است که براساس یکی از بندهای این سند مبنی بر لزوم احترام به فرهنگهای مختلف، کشورها در ترسیم خطوط فرهنگی خود در برنامه عمل ملی آزادند، به ویژه اینکه بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران سند را با تحفظات و شروطی پذیرفته اند و ما نیز شخصاً موارد غیر قابل قبول از نظر فرهنگ خود را رد کرده و از پذیرش سرباز زده ایم بنابراین با افتخار برنامه عمل ملی خود را براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری که بر خواسته از اسلام واقعی است تهیه و تدوین خواهیم کرد. وی در ادامه اظهار می‌کند، اساساً یکی از اهداف ما در این هم آوایی جهانی همین است که از این رهگذر دیدگاههای اسلام را در قالب راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت زنان پیش روی جهانیان قرار دهیم، به هر حال برنامه عمل کشورها به دست یکدیگر میرسد و مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد."

سال ۱۳۷۷ شروع نقطه ی عطفی

عبادی در بیشتر کنفرانس ها و همایش های خارج از کشور بدون حجاب ظاهر شده است و این امر محدود به مورد اسلو نمی شود. قوانین جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه محدودیتی در این خصوص قائل نشده و این امر از نشانه های دموکراتیک بودن این قوانین است. ما با افتخار اعلام می کنیم که در ایران امثال خانم عبادی که در زمینه ی دفاع از حقوق زنان فعالیت دارند زیاد هستند." این سخنان توجیه گونه ی زهرا شجاعی است در پیام رسمی تبریکی که مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری در پاسخ به سوالی در خصوص ظاهر شدن شیرین عبادی در شمایل یک زن بی حجاب، به هنگام گرفتن جایزه اش داشت.

سال ۱۳۸۴ چرخش قدرت در امور زنان به طیفی دیگر سپرده میشود تا زنان این طیف باشند که در مدت ۸ سال علاوه بر اینکه تداعی کننده اهمیت نهاد خانواده باشند این مهم را در تغییر مرکز مشارکت امور زنان به مرکز امور زنان و خانواده منعکس نمایند. زهره طبیب زاده نوری و مریم مجتهدزاده کرسی داران امور زنان در آن مقطع بودند. اگرچه امروز از این طیف زنان جز سکوت صدای به گوش نمیرسد. بگذریم که گویا امروز در فضای پر از التهاب بیکاری که در کشور حاکم است حفظ صندلی از آجب واجبات است. هر روز که میگذرد مساحت رنج زنانه گسترده تر میشود و ما باید همه ی همت خود را مصروف خط خوردگی هایی نمائیم که رهاورد زنانی از دیار هیچ است. سال

۱۳۹۲ رسوب و انفعال و انزوا از ما و دنیا دنیا تدبیر و امید و امید از بگذریم. ساختار مرکز امور زنان و خانواده دچار تحولی دیگر میشود و به معاونت امور زنان و خانواده ارتقاء می یابد. مدیریت در این دوره به شخصی داده میشود که اگرچه نام آشنا نبود اما اثرگذار ...



شهیندخت مولوردی، او که مجموعه ی تحت مدیریتش، نشست تخصصی پیرامون زنان روسپی برگزار کرد و در این نشست به صورت تخصصی مشکلات زنان روسپی مورد بررسی قرار گرفت، و به جای واژه "روسپی" اصطلاح "برده جنسی" از سوی معاونت زنان ابداع گردید! شهیندخت مولوردی، او که توقیف ماهنامه زنان امروز را ناشی از سوء تفاهم دانست و گفت: ما به نوبه خودمان تلاش می کنیم این سوء تفاهم رفع شود. طبق اظهار نظرهای خانم مولوردی: شاهد زنانه شدن چهره فقر در خانواده ها هستیم، ۱۹ میلیون مادر نقش پدر را هم انجام میدهند. در کنار زنان سرپرست خانوار، هم اکنون با بالارفتن سن ازدواج و مجرد ماندن دختران به الگوی نوظهوری به نام زنان خودسرپرست رسیده ایم

(۲/۵ میلیون تا ۳ میلیون نفر). اعتیاد زنان کانون خانواده را تهدید میکند. ۱۰ درصد از معتادان زنان هستند. ۵۵ درصد طلاق ها ریشه در اعتیاد دارد. با این همه جایگاه معاونت امور زنان در راستای تعدیل مسائل و مشکلات و نیز تلطیف فضای جامعه برای زنان که به لحاظ کمی نیمی از جامعه و به لحاظ کیفی همه جامعه محسوب میشوند کجاست؟

طبق اظهار نظرهای خانم مولوردی: نرخ بیکاری دختران دارای بالاترین رقم طی ۲۰ سال اخیر است، مهمترین مشکلات زنان جوان مشکلات اقتصادی است. عدم استقلال مالی و در نتیجه وابستگی زیستی و اقتصادی به خانواده پدری و سپس شوهر، تجمیع مطالبات زنان به حوزه فرهنگی و سیاسی و احتمال گرایشهای منحرفانه اخلاقی جهت استقلال مادی از تبعات بیکاری دختران جوان است. در بسته اشتغال پایدار به دو موضوع می پردازیم: زنان سرپرست خانوار - دختران فارغ التحصیل دانشگاهی. در این میان سوالی که به ذهن متبادر میگردد، اگر اشتغال دختران از اهمیت و اولویت برخوردار است پس چه جایگاهی برای اشتغال مردان و نیز بحث تشکیل خانواده میتوان قائل شد؟

شهیندخت مولوردی، او که در پایان مدیریتش گفت: ما تلاش کردیم معاونت را به عنوان مرجع ملی زنان معرفی کنیم. او که گفت: مهمترین رویکرد ما عدالت جنسیتی است، بگذریم که ما هیچ گاه باور نکردیم. ادامه دارد...

■ اسراء داوودی

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان: مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۵ دسامبر ۱۹۶۳ از کمیسیون مقام زن که یکی از کمیسیون های شورای اقتصادی - اجتماعی است و وظیفه تهیه گزارش به همین شورا را درباره مسائل مربوط به زنان، حقوق سیاسی و مدنی، اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارد خواست، بر روی پیش نویس اعلامیه ای درباره رفع تبعیض علیه زنان کار کند. پیش نویس تهیه شده پس از تجدید نظر در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب میرسد. سرانجام کنوانسیون در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و از تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ برای دولتهای ملحق شده لازم الاجرا شد. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه، ۳۰ ماده و ۶ بخش است. از زمان تصویب تا سال ۲۰۰۰ پنج کنفرانس جهانی در زمینه دفاع از حقوق زنان از سوی سازمان ملل بر پا شده است و به عبارتی هدف اساسی ۵ کنفرانس، (مکزیکوسیتی ۱۹۷۵- کپنهاگ ۱۹۸۰- نایروبی ۱۹۸۵- پکن ۱۹۹۴- نیویورک ۲۰۰۰) بررسی و تعیین راهبردها و سیاستهای جهانی مناسب برای اجرا و تحقق مفاد کنوانسیون رفع تبعیض و ارزیابی میزان توفیق و پیشرفت کشورها در این راستا بوده است.

زیر چادر دانشگاه

۱۴۰۰ سال از درخشیدن آن خورشید می‌گذشت. انسانیت از دست رفته و معصومیت از دست رفته پیش کشی تاریخ شرق و تمدن جدید غرب برای زن بود که یکی زن را کالای اقتصادی قابل ارث می‌شمرد و آن یکی زن را کالای قابل بهره‌کشی اقتصادی و جنسیتی می‌دانست.

در این میان ناگهان مردی برخاست و فلک را سقف بشکافت و طرحی نو در انداخت. او برخاست تا خواب خوش برده‌داری فوق مدرن را بر مستکبران تلخ کند و چه خوب می‌دانست که بند را اول باید از گردن زنان گشود.

در سال‌های فریب و تزویر، او چه خوب فهمید که حق رای زنان محلی از اعراب ندارد، وقتی رای مردان نیز خوانده نمی‌شود و نظرات ملوکانه اعلی‌حضرت بر ملت می‌چرید و آراء از پیش تعیین شده است.

آن مرد برخاسته بود و سربازانش را در گهواره‌هایی می‌دید که زیر دست زنان تربیت می‌شدند که پانزده سال بعد انقلاب اسلامی‌اش را پیروز کنند و جنگی تمام عیار با تمام دنیا را پیش ببرند.

"اصل و اساس بر این بود که انحراف درست کنند. اساس بر اصلاحات نبود. اساس بر این بود که نگذارند یک مملکتی رشد بکند. لهذا از آن می‌فهمیم که آن کشف حجابی که رضا خان به تبع ترکیه به تبع غرب و مأموریتی که داشت، آن برخلاف مصلحت مملکت ما بود. و ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او برمی‌آید شماها بودید. با همین وضعی که الان اینجور حضور دارید، با همین وضع به خیابانها ریختید و به نهضت کمک کردید." (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۳)

انقلاب کبیر خمینی کارش را داشت درست انجام می‌داد، چه همان روزهای اول در سال ۴۲، چه سال ۵۷ شمسی و چه ۶۰ سال بعد از آن، و این برای آن‌ها که فکرهای شومی برای برده‌داری داشتند خوش نبود.

"آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً در کشور ایران پیدا شده است این است که در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش و لباسهای کذا و منزلگاه‌های کذا بود و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است به واسطه همین تحول در قشر بانوان، دیگر

آنهایی که با آرایش‌های فاسد و لباسهای فاخر می‌خواستند فخر فروشی کنند، در بین جامعه نسوان ما محکومند و خجالت زده‌اند. آن روز بانوان اسلامی ما خجالت می‌کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در آن مراعات شده باشد [ظاهر بشوند] طبقات ضعیف هم اگر این کار را می‌کردند، خجالت می‌کشیدند در بین قشرهای فاسد و مرفه بروند. امروز امر بعکس است؛ آن اشخاصی که دارای آنطور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنماییهای مفسد بودند، آنها احساس شرم می‌کنند در بین شما." (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۹۸-۱۹۷)

در همین حوالی طرح انقلاب زنانه را در ایران رقم زدند و طمع دارند تا با همان لشگری به جنگ انقلاب اسلامی بیایند که عامل پیروزی‌اش بود.

سال‌ها هست که طرح‌های مساله‌دار زنان، به اتاق‌های مدیریت کلان نظام رسیده و نفوذ کار خودش را بین مدیران انجام داده است. از حضور نزار زاکا جاسوس حوزه زنان در جلسات خانم مولوردی گرفته تا حضور خزنده این تفکر در فیلم‌های سینمایی؛ فمینیست‌ها خوب نقششان را اجرا می‌کردند. آرام آرام نوبت حضور سیاهی لشکر زنانه بود. دامن زدن به خواسته‌های غیر ضروری حوزه زنان (حضور در ورزشگاه‌ها و حجاب اجباری و...)، و پرهیز از پرداخت صحیح به مسائل زنان خانه‌دار، تامین امنیت شغلی مادران پس از زایمان، تدبیر کافی برای ارتباط مادران شاغل و فرزندان (ایفای نقش مادری و همسری) و... باعث پرشدن ذهنیت زنان از خواسته‌های پوشالی شده است.

کمپین‌های دروغینی که سرشته غالب آن زنانی از فرقه بهائیت و منافقین بوده‌اند، آتش فتنه‌هایی را روشن کرده که انگار سودای خاموشی هم ندارد. تابستان ۹۷، دور تازه و پر قدرت براندازی‌های ۴۰ ساله‌ی متوهمانه‌ی معاندان است و این بار روی زنان حساب ویژه‌ای باز شده است. در شروع سال تحصیلی دانشگاه‌ها قابل پیش‌بینی است که این تحرکات به فضای دانشجویی نیز خواهد رسید. زیر چادر دانشگاه از شماره آینده با تحلیل و رصد این تحرکات، در تلاش است ضمن شناخت تهدیدها، فرصت‌ها و آسیب‌ها، مطالبه‌گری را هم از مسئولان مربوطه به عمل آورد.

■ زهرا فتاحی